

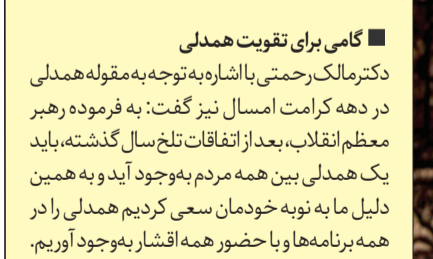
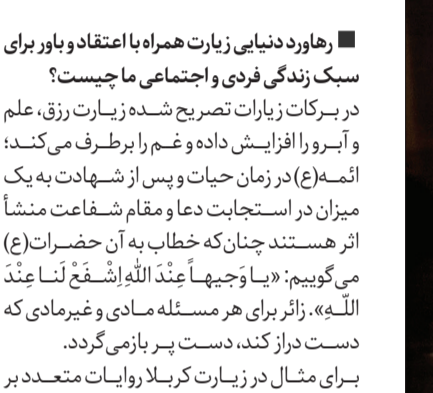
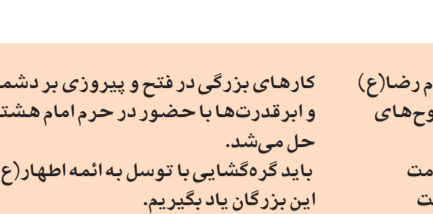
«آقای یک حاجتی دارم بعداً می گویم خدمتتان»

می گویم خدمتتان». روز دوم هم همین طور، روز سوم باز هم همین طور... حتی روز دهم هم دلش نمی آید حاجتش را به امام بگوید، روز آخر وقت خداحافظی فقط می گوید «آقا حاجتی دارم دفعه بعد می گویم ان شاءالله...»

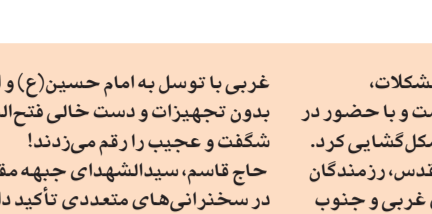
منبع:همشهری جوان



سمت مشهد، روز اول غسل می کند، لباس تمیز می پوشد، دم و رودی اذن دخول می خواند و بعد از زیارت، دو رکعت نماز می خواند و بعد هم زیارت نامه را اما همین که می خواهد حاجتش را بگوید حس می کند حال طلب نیاز ندارد، پس چیزی نمی گوید، فقط می گوید «آقا یک حاجتی دارم بعداً



و جامعه را همان طور ایستاده می خواند و اشک می ریخت تا آخر...ایشان یک بار از سفر مشهد برگشته بود، برای کسانی که به دیدنش رفته بودند تعریف می کند حتی نتوانسته حاجتش را به امام بگوید، نه اینکه نتوانسته، رویش نشده با اینکه اصلاً از قم به قصد طلب همین حاجت راه می افدت



آیت الله اراکی، مرجع و فقیه بزرگی بود. ایشان در سن ۹۰-۸۰ سالگی هم زیارت هایش را کامل بجا می آورد، پس از زیارت حرم، دور ضریح را می گشت، سپس می رفت بالا سر مسجد کوچک که درست بالای سر امام وصل به حرم است، آنجا دو رکعت نماز می خواند و بعد می ایستاد و تمام زیارت امین الله

